

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اصول و فنون شکوائیہ نویسی

حجت الاسلام امیرحسین قناد

مدرسہ علمیہ عالی نواب

فهرست مطالب

- ب اصول و فنون شکوائیه نویسی ۶
- ه مقدمه ۷
- ۶ ارائه حجت الاسلام قناد ۷
- ۷ تبیین محل بحث ۸
- ۸ تفاوت مراجع حقوقی و کیفری در تقدیم دادخواست و شکوائیه ۹
- ۹ علت این تفاوت ۱۲
- ۱۲ جمع بندی ۱۵
- ۱۵ امهات نکات مربوط به شای و مشتکی عنه در شکوائیه ۱۵
- نکته اول: عدم انحصار ورود به پرونده کیفری در شکوائیه ۱۶
- نکته دوم: چه کسی می تواند شکایت کند و «شای» باشد؟ ۱۷
- نکته سوم: چه رفتاری جرم تلقی می شود؟ ۱۹
- نکته چهارم: جرم دو حیثیت دارد ۲۰
- ۲۰ تعریف بزه دیده ۲۱
- ۲۱ مطالبات چه چیزهایی هستند؟ ۲۲
- ۲۲ منافع ممکن الحصول چیست؟ ۲۲
- ۲۲ خسارات معنوی ۲۳
- ۲۳ از چه کسانی می شود شکایت کرد؟ ۲۴
- ۲۴ آیا قانون اجازه انتشار پرونده های قضایی را میدهد؟ ۲۸
- ۲۸ اهمیت توجه به صلاحیت محاکم هنگام شکوائیه نویسی ۳۰
- توضیح و توصیف ارکان شکوائیه ۳۸
- پرسش و پاسخ ۳۸

مقدمه

موضوع جلسه همانطور که مستحضرید بحث اصول و فنون شکوائیه نویسی است که اولین گام برای تشکیل پرونده می‌باشد و اصلاً پیگیری قضایی منوط به این است که شما یک شکوایه‌ای بنویسید که بعضاً شکوائیه‌نامه هم گفته می‌شود.





ارائه حجت الاسلام قناد

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت تک‌تک شما عزیزان جا دارد پیشاپیش تسلیت عرض بکنم شهادت باب الحوائج موسی بن جعفر علیه السلام را خدمت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و همچنین شما اعزه که قبول زحمت فرمودید در این جلسه حاضر شدید تا ان‌شالله بتوانیم مباحثه‌ای را در این فرصت اندکی که داده شده داشته باشیم.

تبیین محل بحث

موضوعی به حقیر اعلام کردند که اون ارکان اصول و فنونی را که لازم هست برای اینکه یک شکایت کیفری در مراجع کیفری و قضایی بخواهد تقدیم بشود را خدمتتان به صورت مختصر در این جلسه تبیین کنم و ارائه بدهم. با توجه به سابقه خدمتی که حقیر در دستگاه قضایی دارم مطالبی را که خدمتتون ارائه می‌کنم کاملاً کاربردی هست، به صورت کارگاهی و پژوهش محور است. روز پنجشنبه که با حقیر تماس گرفتند پشت خروارها پرونده بودم و جا خوردم که چرا زودتر تماس نگرفتند تا بتوانیم پاورپوینتی در خصوص مطالب آماده کنیم و مطالب به صورت تصویری هم خدمت شما عزیزان ارائه بشود. خداوند تبارک و تعالی این توفیق را داد و چند ساعتی از فرصت ما خالی شد و توانستیم یک مختصر پاورپوینتی را آماده بکنیم و در محضرتان ارائه بدهیم تا دوستان بهره بیشتری را ببرند. جا دارد همینجا در ابتدای بحث تقدیر و تشکر ویژه‌ای داشته باشم از مسئولین محترم مدرسه عالی نواب و سایر اعزه که به فکر هستند و اینچنین برنامه‌هایی را برای شما عزیزان برنامه‌ریزی می‌کنند تا دیدگاهتان را نسبت به مباحثی که می‌خواهید دنبال بکنید بیشتر بشود.

مباحث خودم را در سه بخش تقسیم بندی می‌کنم و ارائه می‌دهم:

اول به خاطر اینکه متوجه بشویم شکوایی چه چیزی هست؟ چه ساختاری دارد؟ بر چه اساسی نگارش می‌شود؟ همین اول به خاطر اینکه حق کارگاهی بودن جلسه را ادا کنم چند نمونه از شکوایی‌هایی پرونده‌هایی را که خودم دارم عکس گرفتم تقدیمتان می‌کنم تا با ظاهر شکوائیه آشنا بشوید و متوجه بشوید شکوائیه اصلاً چیست و بعد برویم سراغ جزئیاتش، اصول و فنونش، ارکانش و سایر توضیحاتی که لازم است.

اول یک مقدمه خدمتان عرض کنم؛ برای اینکه یک پرونده کیفری تشکیل بشود در مراجع قضایی چند راه وجود دارد:

[اول:] شکایت کیفری تنها یکی از آن راه‌هاست [دوم:] و الا اگر من دادستان در کف شهر بینم یک جرمی انجام می‌شود می‌توانم همانجا یک پرونده کیفری را تشکیل بدهم، [سوم:] یا شمایی که خودت یک جرمی را مشاهده می‌کنی درحالی که خودت بزه‌دیده نیستی، شاکی نیستی، صرفاً اعلام کننده آن جرم و مشاهده کننده آن جرم هستی، می‌توانی مراتب را به دادستان یا مراجع قضایی اعلام کنی تا اقدامات قانونی آغاز بشود. لذا دوستان ذهنشان نسبت به این مسئله بسته نباشد و بدانند راه ورود به پرونده‌های کیفری صرفاً شکوائیه نیست؛ چند اموری هست که ماده قانونی‌اش را خدمتان توضیح خواهم داد.

تفاوت مراجع حقوقی و کیفری در تقدیم دادخواست و شکوائیه

برعکس مراجع حقوقی که برای ورود به یک پرونده در مرجع حقوقی فقط و فقط باید دادخواست در فرم‌های متحدالشکل و جداول تنظیم شده از قبل

باشد (یعنی آنجا باید فقط در همین چارچوب پرونده وارد مراجع حقوقی بشود) بالعکسش در مراجع کیفری این شکلی نیست. نکته دوم اینکه ماهیچ فرم متحد الشکلی برای تقدیم شکوائیه نداریم یعنی شما در هر کاغذی دلتان میخواید اگر اون محتویات که قانون گفته را رعایت کنید و در شکوائیه نگارش کنید آن شکوائیه قابل پذیرش کلیه مراجع قضایی خواهد بود. پس دنبال فرم خاص شکوائیه و اینکه آرم و امضاء کجای فرم باشد و یا اینکه بازکد داشته باشد یا نه، یا اینکه کد رهگیری داشته باشد یا نه، یا چطوری ارسال بشود، نباشید و اصلاً چنین تشریفاتی وجود ندارد و در هر برگه‌ای، در هر مکتوبه‌ای که شما مراتب را اعلام بکنید پیگیری خواهد شد.

علت این تفاوت

چرا؟ علتش چیست؟ چرا برعکس مراجع حقوقی انقدر مراجع کیفری آسان گرفته شده؟ بخاطر اینکه نظام حقوقی و جزایی جمهوری اسلامی ایران براین شکل گرفته که هرکسی که بزه‌دیده واقع شد، جرمی علیهش واقع شد، با ساده‌ترین شیوه و ارزان‌ترین شیوه و در دسترس‌ترین شیوه بتواند شکایت خودش را ارائه بدهد و بتواند تظلم خواهی کند. لذا قانون‌گذار تشریفات خاصی مقرر نکرده است؛ بلکه در قانون کیفری داریم که قوه قضائیه باید فرم‌های متحد الشکلی را برای شکوائیه آماده کند ولی از سال ۹۲ هنوز آماده نشده. اینکه چرا این فرم‌ها آماده نشده چند دلیل دارد که حالا آنها داخلی است بگذاریم کنار ولی در کل ماهیچ فرم خاصی نداریم شما در هر برگه‌ای که بنویسید قابل پذیرش هست.

حالا کمی جلسه را کاربردی تر کنم. فقط این را داخل پرانتز داشته باشید که ما مثل دفاتر خدمات الکترونیک دولت که شما قبض آب و برق بخواهید پرینت بگیرید یا کاری بخواهید انجام بدهید یا کاری با دولت داشته باشید این دفاتر به عنوان تسهیل گر وجود دارند وامکاناتی را برای شما ایجاد میکنند؛ شبیه همانها در قوه قضاییه دفاتر خدمات الکترونیک قضایی داریم اینها وظیفه شان چیست؟ یکی از کارهایی که این دفاتر انجام میدهند همین هست که بجای اینکه شما شکایتی که میخواهید خودت دستی بنویسید را ببرید تحویل دادستان بدهید، این دفاتر می توانند این شکوائیه را به صورت الکترونیکی برای شما ارسال بکنند. این فرمی [تصویر] که الان مشاهده میکنید فرم شکوائیهٔ دفاتر خدمات الکترونیکی قضایی است که می بینید خودش جدول بندی کرده و اول آمده شاکی را نوشته بعد مشتکی عنه را نوشته (سوال: متشاکمی درست است یا مشتکی عنه؟ برگردیم ادبیات عرب باب افتعال «المشتکی عنه یعنی آن کسی که شکایت شده است از او»؛ این تعدیه اش به حرف جر است و متشاکمی اشتباه است و مشتکی عنه) و بعد موضوع شکایت نوشته شده، دلایل و ملزومات و بعدش هم پائین توضیحات را نوشته است.

این هم [تصویر] فرم دیگری هست که دارد استفاده می شود. همه تان می دانید در ورودی محاکم قضایی و مراجع دادگستری معمولاً افرادی هستند از قدیم که به آنها می گویند «عریضه نویس»، این فرمی هست که دوستان عریضه نویس آماده کرده اند و سربرگ قوه قضاییه را برایش طراحی کرده اند؛ در آن نوشته مشخصات شاکی، نشانی، مشخصات شاکی، مشخصات مشتکی عنه،

موضوع شکایت، تاریخ وقوع جرم، دلایل ومدارک، در آخر هم یک توضیح مختصری از شکایت بیان کرده است.



جمع بندی

پس جمع بندی ما چیست؟ اینکه با مشاهده عملی که ما از شکوائیه ها داریم می فهمیم که ما مجبور به این نیستیم که برویم داخل یک فرم خاصی شکایت را مطرح کنیم، هرچند(شاید بعضی از شما در شهرهای مختلف این رویه را دیده باشید) امکان دارد در بعضی از حوزه های قضایی بخاطر اینکه کار تمیزتر باشد، بخاطر اینکه ترتیب رعایت باشد، تسریع در وقت باشد دادستان آن شهرستان بخشنامه بکند و بگوید از این به بعد اگر کسی خواست شکایت بکند باید برود دفاتر خدمات الکترونیکی قضایی و آنجا شکایت کند و ما دیگر شکوائیه دستی قبول نمیکنیم(این رویه در حوزه های قضایی هست که یک بخشنامه داخلی است و قانونی و الزامی نیست).

شیوه دیگر طرح شکوائیه

بعضی وقت ها اصلاً لازم نیست شما شکوائیه بدهید، آن برگه فرم متحدالشکل را به من بدهید، می آید حاضر و ناظر در شعبه دادستانی و می گوید من شکایت دارم! من می گویم همانجا شکایت را بگو تا من بنویسم. شاکی در شعبه خود مرجع قضایی شکایت خودش را اعلام می کند، اظهاراتش مکتوب می شود، اگر آن محتویاتی که در شکایت الزام آور هست داشته باشد حتی می توانند پیش شما حاضر شود و مفاد شکایتش را اعلام بکنه. [در تصویر] ببینید یک پرونده شرکت هرمی هست با وجودی که اسمش یک اسم قلمبه سلمبه ای هست(پرنده شرکت هرمی اخلال در نظام اقتصادی کشور) ولی خیلی راحت پیش خودم آمده بود شکایتش را گرفتم ضمّ پرونده کردم و دستوراتی مقتضی را برایش صادر کردم. بعضی اوقات هست شاکی (بخاطر

اینکه گفتم "تظلم خواهی در نظام حقوقی کیفری ما ساده گرفته شده تشریفات خیلی زیادی در نظر گرفته نشده" می تواند مراجعه کند به مراجع انتظامی نزد ضابط و آنجا شکایتش را مطرح کند. این فرم [تصویر] را ببینید، فرمی هست که در مراجع انتظامی وجود دارد، مشخصاتش را می نویسد، شکایتش را توضیح می دهد و مشخصاتش را در ادامه می نویسد.

پند و موعظه

ببینید عزیزان از آنجایی که قالب جلسه کارگاهی هست حتماً باید این موضوع را خدمت شما عرض کنم که در قوه قضاییه هیچ امری انجام نمی شود مگر اینکه با حکم قانون باشد؛ تمام اموری که در مجموعه قضایی رسیدگی می شود، پرونده دستور داده می شود، تصمیم گرفته می شود چطور پرونده به کدام مرجع برود، چطوری پرونده واصل بشود، تمام اینها به مَرّ قانون است و هیچ موضوعی نیست که بخواهد از امری خارج از قانون نشأت گرفته شده باشد و آن باعث شده باشد که ما موضوع را انجام بدهیم، نه اینطور نیست تمام مواد قانونی ظاهر و روشن هست و تکلیف را برای ما مشخص کرده است پس تمام نکاتی که خدمت شما عرض می کنم شاهد آن را هم از قانون خدمتتان عرض می کنم. می خواهم اهمیت قانون خوانی را خدمتتان عرض کنم. شاید شما بزرگواران خیلی از امور مربوط به رشته تان را در جزوه ها و کتاب ها مشاهده کنید ولی دوستان، قانون خوانی را فراموش نکنید، یعنی یک عزیزی که دارد مطالب حقوقی را به صورت کاملاً علمی دنبال می کند حداقل در طولِ عمرِ دانش پژوهشی خودش باید یکبار قانون آئین دادرسی کیفری را مطالعه کرده باشد. خواهش میکنم مثل آن زمان طلبگی مان که استاد تجوید می گفت قرآن

را از اول شروع کن بخوان تا آخر و سوره به سوره نخوان، من هم الآن توصیه می‌کنم به شما بزرگواران اگر آینده‌مسیر دانش‌پژوهشی شما می‌خواهد به این روند بخورد که در امورات حقوقی فعالیت کنید (چه در مباحث کیفری چه در مباحث حقوقی) حتما قانون‌خوان بشوید، حتما قانون‌دان بشوید، تمام امور بسته به قانون است؛ کتابها هم اگر آمده‌اند حرفی زده‌اند قانون را تفسیر میکنند. یکبار در طول عمر دانش‌پژوهی خودتان قانون آئین دادرسی کیفری، قانون آئین دادرسی مدنی، قانون مجازات و قانون مدنی این قوانینی که ارکان هستند وقوانین مهمه جمهوری اسلامی ایران هستند که بیشترین کاربرد را در مراتب حقوقی و کیفری دارند را یکبار مطالعه کنید. نشود که فارق التحصیل بشوید به خودمان بگوییم: «ای بابا یک دور قانونم نخواندیم». نه! قانون را بخوانید با شمارش هم حفظ کنید.

من هیچ وقت یادم نمی‌رود وقتی که شروع کردم به دوران قضایی حداقل نه بار قانون آئین دادرسی کیفری را خوانده بودم و با تمام مواد شمارش‌ها از حفظ بودم اما بعد از دو سال همه‌اش از ذهنم رفت! ولی دوباره که شروع کردم به کار قضایی و پرونده‌ها را مطالعه کردم همه‌اش دوباره برگشت. ببینید وقتی می‌خوانید ملکه ذهن می‌شود یا حداقل به ذهن شما خطور می‌کند ولی وقتی که نسبت به امر کلاً خالی‌الذهن باشید چه فایده‌ای دارد؟

بعد از یک مدت که با شماره به ترتیب خواندید، موضوعی بخوانید. مثلاً الان اینجا ما به صورت موضوعی خواندیم مبحث را به شما تقدیم میکنم که در قانون آئین دادرسی کیفری بر این مباحث شکوائیه و امور مربوطه به شاکی چه مباحثی آمده اینها همه‌اش محفوظاتم گرفتم خدمت شما آوردم یعنی نه

کتابی مطالعه شده نه چیزی فقط متن قانون هست که یکی یکی خدمتتان تقدیم می‌کنم.

امهات نکات مربوط به شاکی و مشتکی عنه در

شکوائیه

نکته اول: عدم انحصار ورود به پرونده کیفری در

شکوائیه

اولین نکته در ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری است در مورد همان نکته‌ای است که عرض کردم، اینکه فقط و فقط منفذ ورودی پرونده‌های قضایی منحصر در شکوائیه نیست و امور دیگری هم هست.

ببینید یک مبحثی داریم به نام "جهات قانونی شروع به تعقیب"، یعنی چه زمانی می‌شود که من دادستان به عنوان مقام تعقیب کننده یک پرونده تشکیل بدهم و شروع کنم؟ یکی از آنها با «شکایت شاکی» هست، یکی دیگر از آنها «اعلام اخبار مقامات رسمی یا ضابط» هست، یکی دیگر «وقوع جرم مشهود در مقابل من یا اظهار و اقرار متهمان» هست مثلاً متهم اقرار می‌کند من فلان جرم را انجام دادم. «اطلاع دادستان از طرق قانونی دیگر» مثلاً مجلس شورای نامه می‌زنند که فلان جرم انجام شده یا سازمان بازرسی یا سایر نهادهایی که به حکم قانون این اجازه را دارند تا جرایم را خدمت دادستان اعلام بکنند.

نکته دوم: چه کسی می تواند شکایت کند و «شاکی» باشد؟

این همه می گوئیم شکوائیه شکوائیه! شکوائیه را چه کسی باید مطرح کند؟ سوال را واضح تر می گوئیم «شاکی کیست؟».

بیان مثال

مثال اول: در فضای مجازی به خانواده شهید رئیسی توهین می کنند، شمائی که الان اینجا نشسته ای، شما بچه حزب الهی می توانید بگوئید من بزه دیده ام و می خواهم شاکی بشوم و شکایت کنم؟ پس ما باید شاکی را تعریف کنیم، چه کسی بزه دیده از جرم است؟ چه کسی شاکی محسوب می شود؟ درست است که من جرم را مشاهده کردم و می توانم جرم را اعلام کنم اما شکایت هم می توانم بکنم؟ ما یک مشکلی که الان در مراجع قضایی با آن مواجه هستیم همین هست.

مثال دوم: خیلی وقت ها پدر خانواده می آید شکایت می کند که دختر ما همچین اشتباهی کرده می خواهیم شکایت کنیم، بعد ما می پرسیم دخترت چند سالش است؟ می گویند ۱۷ سال. می گوئیم شکایت چیست؟ گوشی اش سرقت شده، ما در این مواقع می گوئیم باید خود او بیاید و شکایت کند. ممکن است بگوید آقا دختر ما بیاید اینجا چکار کند؟ من پدر او هستم، ولی او هستم بگذارید من بجای او شکایت کنم! و ما می گوئیم نه! شاکی اینجا قائم به شخص است، اگر به سن بلوغ رسیده و رشید است خودش باید بیاید و شکایت کند.

مثال سوم: یا مثلاً شوهر می‌آید از طرف همسرش شکایت می‌کند یا پدر بزرگ از طرف نوه‌اش شکایت می‌کند، مدیر مدرسه می‌آید از طرف دانش‌آموزش شکایت می‌کند، بسیار داریم از این موضوع‌ها...

مثال چهارم: مثلاً اینجا یک اتفاقی می‌افتد و یک نفر به یکی از طلبه‌ها توهینی می‌کند آیا رئیس مدرسه نواب می‌تواند شکایت کند بگوید می‌خواهم شکایت کنم از طرف طلبه‌ام؟

لذا اینجا ما باید کلمه شاکی را تعریف کنیم با حکم قانون. چند ماده را به صورت مقدمه خدمتتان عرض کنم.

نکته سوم: چه رفتاری جرم تلقی می‌شود؟

ببینید ما یک اصلی داریم در قانون به نام "اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها"؛ این را حتماً همه‌تان در مقدمه علم حقوق در اولین مباحث حقوق جزا چه عمومی چه اختصاصی چه آئین دادرسی کیفری خواندید، حالا این یعنی چه؟ یعنی اینکه ما مذمومات خیلی داریم، امور قبیح خیلی داریم که عقل ما می‌گوید این کار قبیح است؛ ولی لازمه این ذم و قبح آیا این هست که هرکار بدی باید جرم باشد و مجازات داشته باشد؟

به عنوان مثال می‌گویند یک ماشین در فلان جا لایمی می‌کشید آسایش ما را گرفته بود این باید مجازات بشود؟ خیر صرفاً یک تخلف راهنمایی و رانندگی است.

مثلاً طرف شکایت می‌کند که زن ما نصف شب گذاشت رفت از خانه! این ناشده است من آمده‌ام از او شکایت کنم. آیا این شکایت کیفری هست؟ خیر

اصلاً این موضوع کیفری نیست یا مثلاً می‌گویند چک ما برگشت خورده است و چکی که دست ما است پولی ندارد آیا این کیفری محسوب می‌شود؟ خیر در سایت دیوار یا مشابه آن کسی یک آگهی گذاشته است مثلاً گوشی، خونه، ماشین ارزان‌تر از بازار، می‌گویید یک بیعانه بریز قبل معامله! شما بیعانه را ریختی بعد اولین تلفنی که جواب نمی‌دهد می‌آید دادسرا شکایت می‌کنید و می‌گویید کلاه من را برداشته‌اند آیا این کلاهبرداری محسوب می‌شود؟ خیر صرفاً یک معامله حقوقی است و باید بروید استرداد وجه آن را بخواهید. مثلاً کف بازار دلار می‌فروشند، این قاچاق و جرم محسوب می‌شود؟ خیر صرفاً یک جریمه نقدی دارد و جرم تعزیراتی هست.

یا می‌گویند سوخت دارد قاچاق می‌شود این جرم هست؟ خیر در بدو امر اینها هیچکدام جرم محسوب نمی‌شود.

بینید چقدر مثال زیاد است که در عرف و از دید مردم جرم هست باید برویم شکایت کنیم یا مثلاً بچه همسایه سر ظهر ما در حال خواب و استراحت هستیم بدویدو می‌کند آسایش ما را گرفته برویم شکایت کنیم. آیا این جرم است و شکایت کیفری می‌شود مطرح کرد؟ خیر

خیلی از مردم فکر می‌کنند رفتارهای زشت و ناپسند و حتی حرام جرم هست و مجازات دارد درحالی که اینطور نیست، فقط باید به حکم قانون منتظر جرم و مجازات باشیم، آنهم تازه آقای ضابط متهم به قتل را، شبکه کلاهبرداری را، اختلاس‌گر اعظم کشور را گرفته است، می‌تواند به او سیلی بزند و از او اقرار بگیرد؟ خیر چه کسی گفته می‌تواند متهم را بزند؟ آیا ضابط است که باید مجازات کند؟ خیر مجازات او چیزی است که در قانون آمده (فلان سال حبس،

فلان عدد هم شلاق) اگر شمای ضابط سیلی بزنی باید قصاص بشوید، اگر کاری کردید که موجب شکستگی او شده باشد به غیر از قصاص حتی باید تعزیر هم بشوید. لذا از این چیزها که مردم می‌گویند ما طلبه‌هایی که داریم این رشته تخصصی را میخوانیم و مطالعه می‌کنیم باید خارج بشویم و همه چیز باید به حکم قانون باشد. قانون می‌گوید محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است یعنی ما جایی نداریم که کیفر وجود داشته باشد اما جرم وجود نداشته باشد.

نکته چهارم: جرم دو حیثیت دارد

جرم دارای جنبه الهی است و این جرم می‌تواند دو حیثیت داشته باشد: حیثیت عمومی: از این باب که به حقوق عموم تجاوز شده مثل "اخلال در نظم و آسایش عمومی" (جرم جنبه عمومی دارد). حیثیت خصوصی: جرم یک حیثیت دیگر هم می‌تواند داشته باشد به نام حیثیت خصوصی (جرم جنبه خصوصی دارد) مثال میزنم؛ شخصی توهین کرده است، اینجا جنبه عمومی ندارد فقط و فقط حیثیت خصوصی وجود دارد یعنی اگر من رضایت بدهم پرونده مختومه می‌شود. بعد از ارتکاب جرمی که توضیح دادیم یک جنبه و دو حیثیت دارد ما می‌توانیم دو دعوا برای آن مطرح کنیم: اول: می‌توانیم دعوای عمومی را مطرح کنیم. دوم: در کنار دعوای عمومی می‌توانیم دعوای خصوصی هم مطرح کنیم.

مثال‌های حیثیت عمومی جرم

به عنوان مثال در حادثه رمضان ۱۴۰۰ که دو نفر از طلاب بزرگوار به شهادت رسیدند، حقیر یک قسمت از آن پرونده کوچک را انجام دادم. موضوع آن پرونده چه بود؟ مثال کاربردی آن را خدمتان عرض می‌کنم. آیا آن پرونده در مورد قتل عمد بود که قصاص مطرح باشد و جنبه خصوصی مطرح بشود؟ خیر پرونده فقط از جنبه عمومی مطرح شد. اتهام متهم چه بود؟ محاربه. پس محاربه حیثیت عمومی پرونده بود، قصاص و قتل عمدی جنبه خصوصی پرونده بود. شکات در آن زمان گفتند ما هیچ شکایتی از باب جنبه خصوصی خودمان نداریم حکومت هرکاری که می‌خواهد بکند؛ لذا پرونده محاربه تشکیل شد.

یا در پرونده دیگری؛ پرونده شهدای خیابان حرعاملی آنجا هم حقیر یک قسمت کوچکی از پرونده را انجام دادم آنجا هم دقیقاً به همین شکل بود یعنی موضوعش محاربه بود. آیا قتل عمد بود که بنخواهد قصاص مطرح باشد؟ خیر مثال بعدی؛ در بحث قذف، کسی که انتصاب جرم موجب حدی منافی عفت را نسبت به کسی مطرح می‌کند، اینجا "حد" مطرح است، یعنی حق‌الله است ولی به محض اینکه شخص رضایت بدهد پرونده مختومه می‌شود.

تعریف بزه‌دیده

پس بیاییم با قانون تعریف کنیم که بزه‌دیده کیست؟ و چه کسی می‌تواند شاکی باشد؟ ماده ۱۰ می‌گوید «بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند...» ببینید خیلی از افراد هستند در طول روز ممکن است جرایمی علیه‌شان واقع شود ولی همه اینها

شاکی هستند؟ نه، چه زمانی می‌شوند «شاکی»؟ وقتی که بگویند ما بزه دیده شده‌ایم و تعقیب متهم را درخواست می‌کنیم، اینجا می‌شوند «شاکی». در مورد این قسمت ماده که می‌گوید «... متحمل ضرر و زیان می‌گردد...» داخل پراتز بنویسید "به صورت مستقیم و بدون واسطه" یعنی اگر چه به بچه من یک جرمی وارد شود به من پدر هم وارد شده است، ولی این ماده منظورش ضرر مستقیم است. ماده در ادامه می‌گوید «و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، "مدعی خصوصی" نامیده می‌شود» یعنی اگر یک جرمی علیه من واقع شد و من تعقیب متهم را خواستم، در کنارش ضرر و زیان هم خواستم، مثلاً الان هوا آلوده است مقصر کیست؟ فرض کنید مقصر شرکت تولید برق است که نیروگاه طوس را با مازوت می‌چرخاند و من سینه‌ام آسیب دیده و پزشکی قانونی هم برای من آرش مشخص کرده است، اگر من بروم شکایت کنم می‌شوم «شاکی»؛ اگر تقاضای دیه کنم یعنی ضرر و زیان بخواهم می‌شوم «مدعی خصوصی». لذا در شکوائیه نکته اول باید شاکی بیاید طرح شکایت کند، شاکی کیست؟ کسی که متحمل ضرر و زیان شده است، سپس اگر در کنار شکایت شما ضرر و زیان هم می‌خواهید، در اینجا باید به عنوان مدعی خصوصی مراتب را در شکوائیه خود ذکر کنید.

مطالبات چه چیزهایی هستند؟

شما چه چیزهایی را می‌توانید مطالبه کنید؟ مثلاً فردی می‌گوید من تصادف کرده‌ام و پایم شکسته و یکسال از کار افتادم در خانه، هر روز هم ۱۰ میلیون تومان درآمد داشتم می‌توانم به ازای ۱۰ میلیون تومان در روز را طی یک سال از متهم بگیرم یا نه؟ خیر.

سوال؛ چه چیزی را می‌توانید مطالبه کنید؟

جواب؛ جبران تمام ضرر و زیان مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول از جرم را می‌شود مطالبه کنید. این کلمه "منافع ممکن الحصول" برای اولین بار در قانون آمد و قبلش چنین موضوعی مطرح نشده بود.

منافع ممکن الحصول چیست؟

از منافع ممکن الحصول یک مثال می‌زنم: مثلاً من یک دستگاهی را اختراع کردم می‌دانم یکسال بیشتر عمر نمی‌کند، از این دستگاه روزی یک میلیون تومان درآمد داشتم، یک نفر می‌آید نظم اینجا را بهم می‌ریزد و دستگاه من را تخریب می‌کند و از بین می‌رود. گفتم یکسال بیشتر عمر نمی‌کند روزی یک میلیون تومان هم ازش درآمد داشتم کارشناس رسمی دادگستری این موارد را تأیید می‌کند، من می‌توانم به اندازه یکسال روزی یک میلیون تومان از متهم "منافع ممکن الحصول" را دریافت کنم. اما اگر گفتم ممکن بود من روزی ده میلیون تومان دریافت می‌کردم از دستگاه، این چطور می‌شد؟ این مورد دیگر ممکن الحصول نیست و حتماً باید این امور توسط کارشناسان رسمی دادگستری تأیید بشود. کارشناس می‌آید نگاه می‌کند که عادتاً شما چقدر با این دستگاه درآمد داشتید و اینگونه خسارت را تعیین می‌کند.

خسارات معنوی

قانون در این ماده کلمه "خسارت معنوی" را هم برای اولین بار آورده است. قبلاً فقط ضرر و زیان مادی را شما می‌توانستی مطالبه کنی اما الان در یک شکوائیه می‌توانید بگویید من از لحاظ روحی و معنوی دچار روان پریشی شدم، در این صورت معرفی می‌شوید پزشکی قانونی پیش کارشناس تا مشخص کند چه

مشکلی پیش آمده. پس من خودم مشخص نمی‌کنم کارشناس مثلاً می‌گوید دو درصد آرش به او تعلق می‌گیرد. هیچ وقت از یادم نمی‌رود هر وقت که این مطلب را می‌گویم؛ فکر میکنم سال ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۲ داعش یک عملیات تروریستی انجام می‌دهد در کف لندن یک خانمی بعداً از گوگل شکایت می‌کند می‌گوید عنصر داعش بخاطر اینکه با یکدیگر ارتباط بگیرند از بستر گوگل استفاده می‌کردند، من الان دو الی سه سال هست روان‌پزشک شده‌ام صد هزار دلار خسارت معنوی از شرکت گوگل مطالبه می‌کند و می‌گیرد. اما این را بگویم که در رویه قضایی این امور زیاد مرسوم نیست، یعنی اگر هرکسی قرار باشد بخاطر فحشی که به او می‌دهند یا هر کتکی که می‌خورد بگوید من چهار پنج روز روان‌پزشک هستم باید به من دیه آرش بدن، اینها را معمولاً تأیید نمی‌کند، آن کسی که رفته واقعاً mri گرفته می‌بینیم داخل مغز او مثلاً یک اتفاقی افتاده یا واقعاً نوار مغزش چیزی را نشان می‌دهد که اینها روی حساب و کتاب و بسته به تأیید پزشکی قانونی هست یعنی نمی‌شود همینطور به صورت ادعایی بخواهد مطالبه شود.

از چه کسانی می‌شود شکایت کرد؟

یک نکته داخل پراتنز بگویم، این را نمی‌گویم که داخل شکوائیه ننویسید، شما می‌توانید علیه هرکسی که دلتان بخواهد و هر ضرر و زیانی که دلتان بخواهد را شکایت کنید، حتی از نزدیکان اول مملکت شکایت را می‌توانید تقدیم بکنید ولی آیا رسیدگی بشود و ادعای شما صحت گذاشته شود و رأی بگیرید باید رسیدگی شود. این آزادی بیان در خیلی از کشورها وجود ندارد یعنی شما نمی‌توانید علیه نفر اول کشور شکایت کنید، ولی در کشور ما اینطور

نیست و می‌توانید شکایت کنید. من بارها دیده‌ام از رئیس جمهور آمده‌اند شکایت کرده‌اند، از فلان وزیر آمده‌اند شکایت کرده‌اند. اینها هست و همه شکوائیه‌هایش موجود است.

آیا قانون اجازه انتشار پرونده‌های قضایی را می‌دهد؟

نکته بعدی همان حیثیت عمومی و خصوصی که خدمتتون عرض کردم، ببینید خیلی وقت‌ها از من سوال می‌پرسند فلان سلبریتی فلان چهره ما خبر داریم که فلان جرم را انجام داده آیا قوه قضائیه مکلف تمام پرونده کیفری او را در رسانه‌ها منتشر کند؟ این هم قانونی دارد برای منتشر کردن پرونده‌های قضایی قانون بعضی وقت‌ها اجازه داده همانجا هم که اجازه دادند سخنگوی رسمی قوه قضائیه جلوی دوربینها حاضر می‌شود و اعلام می‌کند، غیر از آن اگر چیزی اعلام نمی‌شود بخاطر این هست که قانون اجازه انتشار آن را نمی‌دهد لذا اگر فلان جرمی اتفاق افتاده می‌گوییم چرا برخورد نمی‌شود؟ علتش این هست که ما خبر نداریم، حتما با اون برخورد شده حتما پرونده کیفری برای او تشکیل شده ولی اگر ما نمی‌دانیم یعنی پرونده کیفری تشکیل نشده؟ خیر. خیلی از مسئولین، خیلی از چهره‌ها پرونده دارند منتهی پرونده ایشان به صورت محرمانه در مراجع قضایی پیش می‌رود و فقط به آنها گفته می‌شود، آیا به شخص دیگری اجازه انتشار داریم؟ می‌گوییم اگر قانون اجازه دهد بله اگر اجازه ندهد خیر. حتی اگر محتویات پرونده را منتشر کنیم مجرم هستیم، تخلف کرده‌ایم، باید پاسخ بدهیم چون آبروی مردم است. نظام قضایی

ما به هیچ عنوان اجازه نمی‌دهد که آبروی مؤمن برود و آنرا محترم‌تر می‌شمارد تا برخی امور دیگر را، اما در بعضی از جرایم که به حق باید رسانه‌ای شود، قانون اجازه داده است که رسانه‌ای شود.

پیگیری جرائم قابل گذشت

ببینید عزیزان خدمتتان عرض کردم نکته را گفتم ما یک دسته بندی در مورد جرایم داریم یا جرایم قابل گذشت هستند یا غیر قابل گذشت. جرایم قابل گذشت جرائمی بودند که حیثیت خصوصی داشتند و حیثیت عمومی ندارند، لذا تا زمانی شاکی شکایت نکند اصلاً تعقیب صورت نمی‌گیرد. یک زمانی سرقتها طوری بود که سرقت زیر بیست میلیون تومان برای متهمی که سابقه کیفری نداشت فرمان پرونده دست شاکی بود؛ یعنی اینکه آقای دزد می‌رفت جلوی چشم همسایه در پراید را باز می‌کرد ضبط پخش را برمی‌داشت شما همسایه می‌گرفتیدش، زنگ می‌زدید به ۱۱۰ پلیس می‌آمد می‌داد به من قاضی ما آزادش می‌کردیم. به عنوان مثال بگویند ما بگیریم شما آزاد کنید؟ خیر من به قانون تکیه کرده‌ام یعنی این نوع سرقت، سرقت قابل گذشت است مثلاً در این مثال همسایه نیست که بخواهد شکایت کند یعنی کسی شاکی نیست پس متهم آزاد می‌شود. این نوع پرونده فقط منوط به شکایت شاکی هست و با گذشت او تعقیب متوقف می‌شود. البته این بحث سرقت اصلاح شده است.

فرم شکوائیه

فرم شکوائیه شاکی در مراجع انتظامی را برای شما آوردم، شما می‌خواهید الآن از یک نفر شکایت کنید و شکوائیه بنویسید، آیا باید حتماً فرم را تنظیم کنید و تحویل دادسرا بدهید؟ خیر. قانون می‌گوید ضابطان عام (ضابطان

دادگستری) و ضابطان خاص صلاحیت دارند و موظف هستند، همانطور که عرض کردم تشریفات برداشته شده است و شما می‌توانید ۲۴ ساعت شکایت تنظیم کنید چه در مرجع انتظامی چه در دادسرا، همانطور که می‌دانید دادسرا هیچ وقت تعطیل بردار نمی‌باشد. قانون می‌گوید دادستان مکلف است شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کند، مثلاً یک پیرزنی می‌خواهد بیاید شکایت کند اما سواد ندارد آیا باید یک نفر پیدا شود برای او بنویسد؟ خیر مثلاً می‌آید روبه‌روی من اظهاراتش را می‌گوید من می‌نویسم لذا شکوائیه فقط محدود به یک فرم خاص نیست. گرچه که گفتم روبه‌برخلاف این است و برخی اوقات لازم است که شما شکوائیه را حتماً بنویسید.

تکلیف بزه‌دیده‌ای که محجور است چیست؟

اگر بزه‌دیده صغیر است، مجنون است، سفیه است یا به اصطلاح حقوقی محجور هست، در این صورت چه کسی می‌تواند برای او شکوائیه بنویسد؟ ماده ۷۰ پاسخ داده است. عین ماده قانونی را برای شما قرائت می‌کنم: «در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است یعنی فرمان پرونده به دست شاکی است مثلاً توهین شده به او یا مطالبه دیه دارد و بزه‌دیده محجور باشد (یعنی یا صغیر باشد یا سفیه باشد یا مجنون باشد) و ولی یا قیم نداشته باشد (مفهوم این قسمت از ماده می‌گوید اگر ولی و قیم داشتند باید همانها بیایند و بجای آنها شکایت کنند.) یا اگر دارد به آنها دسترسی نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت می‌شود، دادستان می‌تواند برای او قیم موقت نصب کند. بعضی وقتها ممکن است ولی آن شخص خودش متهم باشد مثلاً در راهنمایی و رانندگی پدر و پسر سوار موتور باشند پسر تصادف می‌کند و پدر

مقصر است، وقتی که ولی متهم باشد چه کسی برای بچه باید شکایت کند؟ قیّم موقت. دادستان می تواند فوراً اقدام کند قیّم موقت انتخاب کند، همه معاونین دادستان و افرادی که ابلاغ دادیاری دارند می توانند این کار را انجام دهند.

ماده بعدی (ماده ۷۱) می گوید در مواقعی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شکایست اگر بزه دیده طفل یا مجنون باشد و ولی قهری یا سرپرست قانونی او به مصلحت مولی علیه اقدام به شکایت نکند (همانطور که عرض کردم در مثال بالا پدر مقصر است باید دیه پرداخت کند نمی آید شکایت کند و به مصلحت صغیر اقدام نمی کند) در این صورت دادستان فوراً اقدام می کند.

مخاطب شکوائیه

یک نکته خیلی مهم که در شکوائیه ها رعایت نمی شود و باعث اطاله دادرسی می شود اینکه خطاب شکوائیه ما باید به چه مرجعی باشد؟ ۹۹ درصد می آیند شکایتشان را تقدیم دادستان عمومی و انقلاب آن شهر می کنند در حالی که مرجعی که باید به آن شکایت رسیدگی کند دادستان نیست! منظورم این است دادستان آن شهر نیست!

مثال می زنم: شما در تهران سوار قطار شدید و در تهران موبایل شما به سرقت رفته وقتی که از قطار پیاده می شوی می آید پائین در مشهد متوجه می شوید که موبایلت نیست، بدویدو می روید دادسرای مشهد شکایتت را تنظیم می کنید. در این صورت تا پرونده برود تهران ۶ ماه زمان می برد باید از طریق دفاتر خدمات الکترونیکی اقدام کنیم، می توانی از مشهد اقدام کنید بنویسید به تهران، سریع رسیدگی می شود لذا حواستان باشد محل وقوع جرم کجا است

که می‌خواهید شکایت کنید اما اگر حواستان به این موضوع نباشد موجب اطلاع دادرسی می‌شود.

اهمیت توجه به صلاحیت محاکم هنگام شکوائیه نویسی

نکته بعدی گاهی اوقات بحث صلاحیت ذاتی آن متفاوت هست مثال می‌زنم شما از یک رفیق شکایت دارید، می‌روید دادسرا عمومی و انقلاب شکایت را مطرح می‌کنید. (کلاهبرداری یا هر چیز دیگری):

نکته اول: دوست شما طلبه است، روحانی است شکایت او در محاکم معمولی رسیدگی نمی‌شود باید بروید دادگاه ویژه روحانیت، ماده ۱۳ آیین نامه ویژه روحانیت را نوشته‌ام نگاه کنید. خیلی مبتلا به است. ماده ۱۳ می‌گوید «دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت در موارد ذیل صالح به رسیدگی می‌باشند:

الف) کلیه جرایم روحانیون

ب) کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون

ج) کلیه اختلافات محلی منحل به امنیت عمومی در صورتی که طرف

اختلاف روحانی باشد

د) کلیه امور که از سوی معظم رهبری برای رسیدگی مأموریت داده

شده.

اینها اموری هستند که در مورد روحانیت بود. یک روحانی وقتی تصادف می‌کند پرونده‌اش باید برود در دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی شود اگر منتهی به جرح باشد. یا شما از یک مقام رسمی دولتی شکایت دارید، وقتی در مشهد

شکایت می‌کنید پرونده حتماً باید برود در تهران رسیدگی شود. یا در شهرستان‌های کوچک هستید علیه شهردار شهرت شکایت می‌کنید، بله می‌توانید آنجا شکایت کنید ولی پرونده با قرار عدم صلاحیت می‌آید به مرکز استان پس چه بهتر که از اول شکایت را در مرکز استان مطرح کنیم. پس توجه به امر صلاحیت هم خیلی مهم است.

الان با تشکیل دادگاه‌های صلح خیلی از جرائم از بدو امر در دادگاه صلح است اما شما می‌روید در دادسرا مطرح می‌کنید، این پرونده چه با دستور چه با قرار بخواهد برود دادگاه صلح خیلی طول می‌کشد و موجب اطاله دادرسی می‌شود.

خیلی وقتها برای جرایم منافی عفت افراد می‌آیند در دادسرا شکایت می‌کنند. فرض بفرمایید خدایی نکرده یک اتفاق بسیار وحشتناکی افتاده، زمان بسیار مهم است، اصل سرعت خیلی تأثیرگذار است، شما باید می‌رفتید در محاکم صلاحیت‌دار شکایت می‌کردید چرا آمدید در دادسرا شکایت می‌کنید؟ اینها نکاتی است که اگر حواستان به این موضوع نباشد موجب اطاله دادرسی می‌شود. دوستان برای نگارش و نوشتن شکوائیه با دقت بکنید همانطور که گفتم شکایت می‌تواند حتی شفاهی باشد نیازی به نوشتن شکوائیه ندارد می‌شود بروید کلاتتری محله‌تان شکایت کنید، ما آنجا بخشنامه داده‌ایم به ضابط که آنجا شکایت کتبی از مردم را قبول کن، او هم شکایت شما را می‌نویسند برای مرجع قضایی اما این موضوع موجب اطاله دادرسی می‌شود تا پرونده از سمت ضابط به سمت من مثلاً ارسال بشود.

یکسری واحد های معاضدت قضایی پیشینی کرده است قوه قضائیه هم در صنعت تحول، هم مرجع انتظامی موظف هستند این کار را انجام بدهند ولی من به شما بگویم در عمل آن معاضدت قضایی انجام نمی شود.

دفاتر خدمات قضایی یک سری بخشنامه هایی دادند که انجام بدهند اما علم قضایی و قانونی کافی ندارد، ممکن است در بحث صلاحیت خدایی نکرده شما را اشتباه راهنمایی کند مثلاً به جای اینکه پرونده برود تهران، بفرستند بندرعباس. مثال می زنم؛ یک محموله پستی در کشور همه جا چرخیده ولی به دست من نرسیده است، باید به کجا شکایت کنم؟ شما فرض کنید (الآن در فضای مجازی زیاد اتفاق می افتد) یک کالایی را خریداری می کنید از یک سایت، بعداً متوجه می شوی آن سایت جعلی بوده است! کجا باید بروید حالا شکایتتان را مطرح کنید؟ محل افتتاح حسابتان کجا بود؟ آن سایت در کدام حوزه قضایی نوشته شده بود؟ می توانید در حوزه قضایی خودتان مطرح بکنید اما به خاطر اینکه این نکات خیلی مهم هست اگر همان اول بزنید وسط خال از اتحاد دادرسی جلوگیری کردیم رسیده ایم به بخش سوم خودمان که توضیح و مقدمات مطالب را خدمتتان عرض کردم

توضیح و توصیف ارکان شکوائیه

تا الان گفتیم که «شاکی کیست؟ شاکی کجا باید شکایت را مطرح کند؟ همه این صلاحیت ها را توضیح دادیم اینکه ضرر و زیان چیست؟ چه مطالبی را می تواند مطالبه کند؟».

نکته فرعی: یک توضیح کوچکی قبل شروع بحث بدهم؛ ببینید عزیزان تمامی افرادی که در مراجع قضایی می خواهند پرونده تشکیل بدهند قبل آن

باید بروند "ثبت نام ثنا" را انجام دهند. شما وقتی که می روید ثبت ثنا را انجام می دهید تمامی این موارد از مشخصات سه جلی شما خوددبه خود آنجا ثبت و بارگذاری می شود.

اصل مطلب: در شکواییه چه چیزهایی باید قید شود؟

جواب: ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ این موارد را گفته:

الف) نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیل (تمامی اینها مهم است! بعضی اوقات آیت‌هایی که قانونگذار آمده اینجا مرتب کرده است و نوشته در مجازات متهم تاثیرگذار است؛ حتی حیثیت شاکی، حتی تحصیلات شاکی. مثال: یک جرمی داریم به نام "مزاحمت برای بانوان" در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، اینجا "حیثیت شاکی" تاثیرگذار در پرونده است. چطور؟ یعنی اگر خانم لآبالی باشد که جنسش طوری است که افراد برای او مزاحمت ایجاد می کنند، این شخص حتی اگر شکایتی هم بکند شکایتش به جایی نمی رسد. چرا؟ چون این ماده قانونی برای خانم‌های عقیفه نوشته شده است، سابقه تقنینی این ماده اینطور می گوید. می خواهم بگویم بعضی اوقات این مشخصات دقیق و ریز که قانون گذار از شما می خواهد در رسیدگی به پرونده تاثیرگذار است).

۱. شاکی یا مدعی خصوصی می تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:

الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی

ب - موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم

پ - ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی

ت - ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان

ث - مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان

تبصره - قوه قضائیه مکلف است اوراق متحد الشکل مشتمل بر موارد فوق را تهیه کند و در اختیار مراجعان قرار دهد تا در تنظیم شکوائیه مورد استفاده قرار گیرد. عدم استفاده از اوراق مزبور مانع استماع شکایت نیست.

وضعیت تأهل، تابعیت (خیلی از اتباع بیگانه در رابطه با اموال غیر منقولی شکایت می‌کنند از آنها سوال می‌کنیم آیا شما می‌توانید مالک بشوید؟ اصلاً می‌توانید مالک این مال غیر منقول بشوید که آمدید شکایت می‌کنید؟ لذا خیلی اینها تاثیرگذار هست).

مذهب (چرا؟ چون بعضی از احکام افرادی که غیر از مذهب شیعه هستند تاثیرگذار هست مثلاً در مباحث نکاح و طلاق).

شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام-نگار، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی. ثبت نام در ثنا را هم شما به این قانون اضافه کنید آن زمان در قانون سال ۹۲ این مورد نیامد ولی لازم است که همه در سامانه ثنا ثبت نام بکنند.

ب) موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم
موضوع شکایت یعنی چه؟

قانونگذار نگفته عنوان قانونی موضوع شکایت، همانقدر که آن بانو بنویسد شخصی برای من مزاحمت ایجاد کرد کافی است و دیگر نیازی نیست عنوان قانونی آن یعنی "مزاحمت برای بانوان" را بنویسد.

تاریخ چرا مهم است؟
مثلاً در جرائم قابل گذشت، از زمان اطلاع شما از وقوع جرم صرفاً تا یکسال شما می‌توانی شکایت کنی! از یکسال که گذشت پرونده شما واجد وصف مرور زمان است (ماده ۱۰۵ ق.م.ا).

محل وقوع جرم چرا مهم است؟
به خاطر همان مباحث صلاحیت که خدمت شما عرض کردم باید ذکر شود.

پ) ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی؛ خیلی وقتها پرونده شما مختومه و تمام می‌شود، در اجرای احکام می‌گویید ضرر و زیان من چه می‌شود؟ گیریم شلاق بخورد، زندان برود، جزای نقدی را هم که به حساب دولت می‌ریزد مثلاً یک بنده خدایی می‌گفت به من توهین شده چرا باید ضرر و زیان به حساب دولت واریز شود؟ به ایشان گفتم در قانون اینطور گفته شده است آیا در شکوائیه‌ات نوشته‌ای؟ گفت خیر!

در سرقت در کلاهبرداری در جرایم مالی حتماً باید ضرر و زیان در شکوائیه ذکر شود مثلاً می‌پرسیم از شما چه چیزی سرقت شده؟ می‌گوید وسایل منزل را دزدیده‌اند! حتماً باید ذکر شود که چه چیزی سرقت شده و قیمتش چقدر بوده است. چرا گفتیم زمان مهم است؟ شما می‌دانید سرقت تعزیری در روز مجازاتش با سرقت تعزیری در شب متفاوت است. چند نوبت از مغازه شما سرقت شده؟ می‌گوید یک ماه است از مغازه ما سرقت می‌شود! می‌پرسیم چند نوبت؟ چند دفعه؟ می‌دانید یکی از موارد جزای عمومی "تعدد" و "تکرار" است، یعنی اگر این سرقت در ۵ وعده انجام شده باشد این پرونده واجد وصف تعدد است و در میزان مجازات تاثیر گذار خواهد بود. بارها و بارها شکوائیه نوشته شده در مرجع انتظامی جلوی من می‌آید می‌بینم اینها را رعایت نمی‌کنند. بلافاصله پرونده عیناً اعاده به مرجع انتظامی می‌شود تا زمانی که:

زمان وقوع جرم و مکان وقوع جرم دقیقاً مشخص شود؛ شیوه سرقت مشخص شود؛ اموال موضوع شکایت در جدول ترسیم و ارزش هر کدام نوشته شود؛ از شاکی تحقیق شود چند نوبت از محل سرقت شده؟ محل دقیقاً توصیف شود، می‌دانید از اماکن عمومی و خصوصی و مغازه و کاروانسرا، مسجد، اینها

موجب تشدید مجازات متهم است یعنی سرقت در مغازه باشد فرق می‌کند تا در پیاده‌رو باشد.

یک نکته: یک روز رفته بودم بازرسی یکی از مراجع انتظامی، شاکی آمد به گله کردن گفت حاج آقا گوشی موبایل خانم باردار بنده را سرقت کرده‌اند، لحظه‌ای که می‌خواستند سرقت کنند او زمین خورده و سه روز است او داخل بیمارستان بستری است، ما متهم را همانجا دستگیر کردیم آوردیم دادسرای کشیک (روز جمعه بوده) آنجا همکار قاضی شما ۵۰ میلیون وثیقه صادر کرده متهم هم سریع کارتش را درآورده است ۵۰ تومن کارت کشیده و رفته است. به نظر شما ایراد کار کجاست؟ شکوائیه را خواندم (ضابط از طرف خانم نوشته بود)، نوشته بود در تاریخ فلان و ساعت فلان، فلان جا بودم داشتم با موبایلم صحبت می‌کردم، موبایلم را زدند و رفتند، لذا شکایت دارم و تقاضای رسیدگی دارم! اینجا نوشته "موبایل قاپی" یعنی می‌شود ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی، ولی اینکه بعدش خورد زمین را هم نوشت؟ اگر گفتید چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟ وقتی که بزه‌دیده سرقت آسیب بدنی ببیند موضوع سرقت می‌شود "سرقت مقرون به آزار" یعنی می‌شود ماده ۶۵۲ فرقی در این است رفتار مادی که در مورد اول داشت می‌شد تا یکسال و نیم حبس و قبلاً می‌گفتیم یکسال و نیم حبس متهم با ۵۰ میلیون وثیقه در دسترس است، ولی ماده ۶۵۲ سرقت مقرون مجازاتش تا ۱۰ سال حبس می‌باشد و اگر تا ۱۰ سال حبس باشد قاضی این اجازه را دارد که متهم را بازداشت موقت بکند! یا ۵۰۰ میلیون به جای ۵۰ میلیون وثیقه بگیرد! آقا مردم می‌گویند متهم از این در آمد از آن در آزاد شد و همسر من الان در بیمارستان است! این مربوط می‌شود به کوتاهی در

شکایت! من به آن مرد گفتم مقصّر خودت هستی! چرا نگفتی زن من آسیب دیده است؟ می گوید من گفتم ضابط ننوشته بود! این ایراد عدم نگارش دقیق شکوائیه بعضی وقتها صدماتی را وارد می کند، مثلاً در پرونده کلاهبرداری آخر پرونده که متهم محاکمه شد تمام شد و رفت بعد می گویند حاج آقا پول ما چه شد؟ می گوئیم مگر گفته بودید از روز اول پولی هم از تو برده؟ کجاست اسناد و مدارکت؟ شاکی می گوید ما که همه جا داد زدیم! می پرسیم کجا نوشتید؟ لذا خودت باید حواست باشد همان اول ضرر و زیانت را بنویسید. مثال می زنم ممکن است متهم همین الآن تا دستگیر شود و اقدامات قانونی برایش انجام شود تمام مال را بردارد و برود! باید همان اول بنویسید تقاضای تأمین خواسته دارم! قابل مطالبه است؟ جواب می دهیم بله. پرونده می رود اجرای احکام، تأیینی گرفته می شود تا خواسته حفظ شود لذا اینها همه اش باید در شکوائیه باید نوشته شود.

ت) ادله وقوع جرم، اسامی و مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان گفتم که شما می توانی از همه شکایت کنی مثلاً ساعت ۴ صبح می بینی کاپوت ماشین قفلش خراب شده و خورده شده است بعد می بینید باتری ماشین سرقت شده است، سریع زنگ می زنی به ۱۱۰ شکایت می کنی، مثلاً ۱۰ سال از آن موضوع می گذرد شاکی در هر جا نشسته است می گوید دزد ما را پیدا نکردند این چه قوه قضائیه ای است؟ جواب این است که تو آیا ادله وقوع جرم را تنظیم کرده ای در شکایت؟ آن لحظه مامور آمد صورت جلسه کرد و رفت آیا بعداً رفتی ادله را ارائه بدهی؟ او می پرسد چیست؟ ادله وقوع جرم آثار تخریب قفل خودرو شما، محتویات دوربین مداربسته شما، اظهارات

شاهد شما، یا اینکه یک همسایه ای دارید در محل اشتهار به سرقت دارد، اینها را چرا نگفتید؟ داستان معروف سپر امیرالمومنین را بیشتر شما شنیده‌اید که چطور قضاوت کردند برای حضرت امیر! و ایشان راضی شدند به آن قضاوت، رضایت و سیره معصوم چه درسی برای ما دارد؟ اینکه هر کسی شکایت خودش را باید براساس ظواهر مطرح کند و بر همان اساس حکم داده شود. آیا براساس واقع باید حکم داده شود؟ نه اصلاً اینطور نیست شما اولیاء الله هم باشید تا زمانی که ادله مطرح نکنید کسی به نفع شما حکم نمی‌دهد نمونه‌اش سیره معصوم است که حضرت امیر راضی شدند.

ث) مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان

نکته اول: مشخصات مشتکی عنه

گاهی نمی‌دانیم مشتکی عنه چه کسی است؟ در این صورت من چه کاری می‌توانم انجام بدهم؟ در این صورت شکایت معطل می‌ماند تا زمانی که دزد پیدا بشود! لا در جرائم علیه آسیب‌های بدنی که قانونگذار بعضی اوقات دیه را از بیت المال مقرر کرده است.

تأسیس ۱۰۸۶ ه.ق


نکته دوم: نشانی مشتکی عنه

بعد از اینکه اسم مشتکی عنه را گفتید آدرسش را هم باید بدهید که بدانیم کجا قرار دارد؟ فرض کنید جرم مهمی اتفاق افتاده است می‌خواهم "دستور جلب" او را بدهم! از چه جایی جلبش کنم؟ آیا من قاضی باید علم داشته باشم؟ می‌گویند بله شما شناسایی کن، چشم اما آیا می‌دانی با شناسایی من حداقل ممکن است یک هفته طول بکشد؟ لذا خودت مشخصات مشتکی عنه را بنویس و مرقوم کن.

نکته آخر: تبصره ماده ۶۸

قوه قضائیه گفتیم مکلف است فرم‌های متحدالشکل را آماده کند که فعلاً رویه این است که این فرم‌ها توسط خود دفاتر الکترونیکی آماده شده اما این بیانگر این نیست که شما در فرم دیگری نتوانید شکایت کنید.





پرسش و پاسخ

۱. فرمودید که باید ادله وقوع جرم بطور کامل ارائه بشود، مگر در آیین دادرسی کیفری نداریم که داستان همراه شاکی است و باید در تحصیل دلیل به او کمک کند؟

جواب: قطعاً؛ اما مثلاً محتوای دوربین او را که من نمی‌توانم از او بگیرم. گفتم ادله‌ای که شاکی در اختیار دارد مثلاً همین الان که می‌آید شکایت می‌کند عکس قفل شکسته‌اش را هم بگیرد برای من بیاورد یا اگر شاهدی آنجا بوده اسم او را بنویسد گرچه این امر نافی این نیست که من فیلم دوربین‌های مدار بسته آنجا را نخواهم و قطعاً دستور خواهم داد اما برخی دلایل قائم به ارائه شاکی است.

۲. در مورد سرقت‌هایی که سارق مشخص نیست نام او در شکوائیه چطور درج می‌شود؟

جواب: شما باید حداقلیات را بنویسد. مثلاً حداقل زمانش را بنویسید که من در این زمان داشتم با موبایلم صحبت می‌کردم... این کار در شناسایی‌های بعدی بسیار مؤثر است مثلاً من دستور می‌دهم دوربین سر کوچه بررسی بشود تا ببینیم چند موتور از آنجا رد شده است و شماره پلاک‌هایشان را برابم بیاورید؛ یا شما در سامانه همیار ثبت نام می‌کنید به محض اینکه موبایل شما توسط سیمکارت دیگری روشن شد من آن شخص را احضار می‌کنم.

۳. در صورتی که شاکی مشتکی عنه احتمالی داشته باشد مثلاً احتمال می‌دهد فلانی مجرم است تکلیف در شکوائیه چیست؟

جواب: می نویسد مظنون. افترائی به کسی وارد نکرده چون در بزه افتراء باید یقین داشته باشد که این شخص بی گناه است و علیهش شکایت بکنید ولی اینجا یقین ندارید می گوئید احتمال دارد که او باشد. اگر اینطور نباشد کسی از ترس افتراء نمی تواند شکایتی مطرح بکند.

۴. در مورد محجورین، آیا کسی که آلزایمر دارد هم محجور محسوب می شود؟

جواب: اولاً باید ببینیم سفاهت دارد یا نه. این فرض یعنی آن فرد عاقل هست، بالغ هست، مجنون نیست ولی مدیریت مالی را بلد نیست و از رشادت افتاده است. اینجا ابتداء باید بروند گواهی پزشکی قانونی بگیرند و پزشکی قانونی تأیید کند که او سفیه است و وقتی دادستان تأیید کرد که او سفیه است دادخواست داده می شود به دادگاه خانواده و به سفاهت حکم داده می شود و بعد کسی که قیم او هست می تواند به جای او شکایت کند.

۵. در ادامه سوال چهارم: این مورد را می شود جزء معلولیت ذهنی و جسمی دانست؟

جواب: معلولیت ذهنی معمولاً همراه با جنون است. اما معلول جسمی خودش عاقل و بالغ است چرا باید کسی بیاید به جای او شکایت کند؟